

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

گزارشها	Reports
---------	---------

سیامک ستوده

۰۹ می ۲۰۱۴

جنایتی دیگر علیه زحمتکشان افغان

هنوز شعله های آتش فاجعه ای که توسط ارادل و اوباش در نظام آباد قزوین به پا شد و طی آن، خانه و زندگی زحمتکشان افغان نابود و به دختران و زنان آنان تجاوز شد، فرو ننشسته است که خانواده های افغان در روستای بجنورد اصفهان نیز، تنها یک روز بعد، قربانی فاجعه دیگری شدند.

در این روز عده ای از اهالی این روستا که ۷۰ الی ۸۰ خانوار ایرانی و افغان را در خود جای داده است، در اعتراض به یک زن ایرانی که با مردی افغان ازدواج کرده، به تحریک افراد نا مشخصی، در برابر خانه زوج مزبور جمع شده، قصد بیرون کشیدن زن مزبور را می کنند که با مقاومت وی و سایر افغان ها، به خصوص آنهایی که زن ایرانی دارند، مواجه شده، کار به زد و خورد می کشد. در این زد و خورد که پاسگاه انتظامی نیز عامدانه کاری برای جلوگیری از آن نمی کند، ۴ مرد افغان و دو زن، یکی ایرانی و دیگری افغان به قتل رسیده، چند روز بعد جسد دو مرد افغان دیگر نیز از آب گرفته می شود. در پی این حادثه، پاسگاه انتظامی ناچار به دستگیری یکی از قاتلین که از جمله الوات و قمه کشهای روستاست می شود، ولی پس از چند روز او را آزاد می کند. در حال حاضر، در حالی که زوج افغان- ایرانی مزبور به همراه یک زن دیگر، از ترس جان، ده مزبور را ترک کرده اند، بقیه نیز جرأت بیرون آمدن از خانه های خود را ندارند.

البته، نباید فکر کرد وقوع این دو فاجعه در پی هم، و در فاصله چنین اندکی، حاکی از وخیم تر شدن اوضاع برای مهاجران افغان نسبت به گذشته می باشد. این اوضاعی است که همیشه و در قبل هم برای آنها وجود داشته است. منتها جز خود افغانها معمولاً کس دیگری از آنها خبردار نمی شده است. بله، این فجایع چیزی تازه و استثنائی نیستند. در گذشته هم، چنین وقایع فاجعه باری شب و روز، در گوشه و کنار کشور، برای خانواده های زحمتکش افغان جریان داشته و تنها اکنون که به خاطر ارتباطات نسبتاً وسیعی که با ساکنان زحمتکش افغان در ایران برقرار شده، و در نتیجه این حوادث مرتباً به ما گزارش می شوند، به نظر این پدیده ای تازه می آید.

واضح است که این جنایات در جمهوری اسلامی در سایه محیط خفقان و سانسوری که به وجود آمده و در نتیجه در بی خبری کامل ما از وضعیت مهاجران افغان است که به این سهولت امکان وقوع می یابند. اما ناسیونالیسم زشت و مستهجن ایرانی نیز با سکوت خود در برابر این جنایات، و همچنین با دیوار بلندی نیز که از طریق نفرت پراکنی ملی علیه دیگران و به خصوص افغانها، میان مردم و آنها کشیده است، عامدانه جمهوری اسلامی و اوباش زیر فرمان آن را در بر پا کردن این فجایع یاری می کند.

اما این تمام مسأله نیست. متأسفانه، ناسیونالیسم گاهی در میان جریان‌های چپ و مترقی نیز، به جز استثنائاتی، به طور نامحسوسی، در شکل بی تفاوتی به مسأله، یا در شکل دفاع انفعالی و کلی از کارگران افغان، به جای محکوم کردن مشخص و فعال فجایی که هر از چند گاه بر سر آنان فرو می بارد، عمل می کند، و همین باعث می شود که در مورد این فجایع به قدر کافی، و در مقیاس وسیع، افشاءگری نشود و به این ترتیب، دست جنایتکاران جمهوری اسلامی و اوباش ناسیونالیست در ادامه این جنایات بیش از پیش باز بماند. این وضع نباید ادامه پیدا کند. باید، همانند موارد دیگر، در این مورد نیز دست به خبر رسانی و افشاءگری وسیع و پیگیرانه زد و نگذاشت تا اوباش اسلامی و ناسیونالیست در پشت دیوار خفقان، سکوت و نفرتی که به وجود آورده اند، دست به هر جنایتی علیه خانواده های کارگر و مهاجر افغان بزنند.

از اینرو، من از همه انسانهای شریف و آزادیخواه، به خصوص نیروهای چپ و انقلابی، چه ایرانی و چه افغان، سازمان ها و شخصیت های مترقی و انسان دوست ایرانی و غیر ایرانی، و همچنین نویسندگان و هنرمندان متعهد می خواهم که ضمن انتشار وسیع اخبار فجایی که به سر کارگران و مهاجران افغان در ایران می آید، صدای اعتراض خود را نیز علیه این فجایع توسط هر جمعی که انجام می گیرد، بلند کنند.

ما نباید فراموش کنیم که مهاجران افغان بخشی از جامعه انسانی و کارگران افغان بخشی از طبقه کارگر ایران اند و باید بدون هیچ گونه تبعیضی، مانند همه اقشار ستمدیده و مظلوم دیگر، مورد حمایت ما قرار گیرند. فراموش نکنیم ملتی که به دیگران ستم روا دارد، هرگز نمی تواند خود را از چنگ ستمگری آزاد نماید.

سیامک ستوده هفتم می ۲۰۱۴